

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۲۷ اپریل ۲۰۲۴

انارگل خوستی

## هشتم ثور یک مصیبت جبران ناپذیر دیگر

به تعقیب مصیبت اول که عبارت بود از کودتای منفور و منحوس حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم به همکاری با داران شان یعنی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سوسیالیستی ملحد و منکر همه ارزش های انسانی به تاریخ هفتم ثور سال ۱۳۵۷ که همراه بود با ریختن خون هزاران نفر و مخصوصاً به شهادت رساندن اولین رئیس جمهور افغانستان با همه اعضای فامیلش که حاضر نشد تسلیم کودتاچیان خائن شود، جوی های خون در سرک های کابل جاری گشت و از همان تاریخ بدبختی ملت و وطن شروع گردید.

این حزبک خدا ناترس و لعین می خواست که افغانستان سربلند را نیز در جمع اقمار شوروی سوسیالیستی داخل نماید که با عزم راسخ فرزندان اصیل آن سرزمین مواجه گردید و عاقبت خودشان و بادران شان راهی زباله دانی تاریخ گردیدند.

افغانستان عزیز در طول تاریخ پر افتخار خود مورد تاخت و تاز زیاد قرار گرفت، اما هیچ وقت مستعمره هیچ کشوری نگردید. بعد از کودتا منحوس ثور و تنگ ساختن زمینه برای ملت، به زودی مقاومت سرتاسری شکل گرفت و این مقاومت مبارزین و مجاهدین حقیقی به قیمت بسیار گزاف به پیروزی رسید. اما در عقب پرده تعدادی دیگری بنام رهبران احزاب که اعمال و اصلیت شان از انظار مخفی مانده بود، به تاریخ هشتم ثور سال ۱۳۷۱ با داخل شدن در خاک پاک وطن ماهیت اصلی شان برملاء گشت و ملت افغان که با بیصبری انتظار آمدن شان را داشتند، با تأسف و تالم آرزو های شان به یأس مبدل گشت. مبارزین حقیقی به فراموشی سپرده شدند و رهبران که در حقیقت نیکه داران جهاد بودند و در عقب پرده ساخت و بافت های خائنه با اکثر کشور ها منجمله با روسیه تجاوزگر داشتند، داخل صحنه شدند و دمار از روزگار مردم بیچاره درآوردند.

این تیکه داران جهاد که در خفا با دزدان دهن جوال را گرفته بودند، بدین معنی که خائن بزرگ احمد شاه مسعود که با داران اروپایی وی را لقب شیر پنجشیر داده بودند، غافل از این بودند که وی شیر پنجشیر نبوده بلکه یک خائن به تمام معنی بود وی در زمان جهاد با دشمن اشغالگر یعنی شوروی با امضاء نمودن معاهدات، جهاد را به درازا کشاند، و همچنان تعدادی زیاد از مبارزین راستین منجمله فرزندان رشید پنجشیر را که با معاملاتش هم‌رای اشغالگران موافق نبودند، همه آن‌ها را از بین برد و راه را برای تاخت و تاز خود صاف نمود.

مجاهدین و مبارزین که به قیمت گزاف وطن را آزاد ساختند به باد فراموشی سپرده شدند و شورای نظار مسعود و ربانی با جنرالان و اعضای حزب خلق و پرچم دست به دست هم داده و کابل را به ویرانه مبدل ساختند و به ده‌ها هزار باشندگان کابل را به قتل رساندند، در تمام شهرهای افغانستان دولت‌های ملوک الطوائفی روی کار آمد. تنها در کابل هر کارته بدست قومندان یک گروپ بود و یک حالت وحشت و بربریت مطلق در کشور حکمفرما بود.

با رسیدن طالبان در دوره اول بدون خونریزی با پاک ساختن نود فیصد قلمرو از شر آن‌ها اقتدار را به دست گرفتند، به وحشت و بربریت خاتمه دادند، امنیت در تمام کشور استیلاء گردید.

تیکه داران جهاد و قومندان‌های به اصطلاح جهادی همه فرار نمودند و مانند موش‌ها در غار‌ها پنهان شدند، تنها وقتاً فوقتاً یگان راکت می‌فرستادند. مسعود توسط همسنگران خودش به قتل رسید و دو روز بعد از قتل وی مراکز تجارتی امریکا مورد حمله قرار گرفت. بدین ترتیب بهانه برای امریکا و متحدینش پیدا شد تا به افغانستان حمله کنند، با فیصله شورای امنیت ملل متحد، امریکا و متحدانش دست باز برای تاخت و تاز بدست آوردند.

متأسفانه بار دیگر امریکا و ناتو شورای نظار و اتحاد شمال را بالای کرده‌های مردم آزرده از چندین دهه جنگ، سوار کردند که نتیجه بس ناگوار داشت.

**دا مو د بابا وطن، دا مو د دادا وطن**

**په مونږ باندی گران دی، دا افغانستان**

**دا وطن زیارت زمونږ، دا وطن نعمت زمونږ**

**دا وطن په دی دنیا، دی لکه جنت زمونږ**